نشریه تحلیل فضایی مخاطرات محیطی، سال اول، شماره پیاپی ۳، پاییز ۱۳۹۳
صفحات ۲۸-۱۳

# تحلیل مؤلفه‌های مؤثر بر مشارکت زنان در چرخه‌ی مدیریت بحران شهر تهران

علی ساعی، استادیار جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس
سید علی بدری، دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه تهران[1]
نسرین کاظمی، دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران
فائزه تاجیک، دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس

دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۱/۲۳ پذیرش نهایی: ۱۳۹۳/۵/۲۴

**چکیده**

گروه‌های گوناگون جامعه می‌توانند نقش بسیار مهمی در مدیریت بحران ایفا کنند. کشورهایی آسیب‌پذیریِ کمتری خواهند داشت که قشرهای مختلف مردم به صورت مستقیم در فعالیت‌های کاهش خطر شرکت کنند و هر کدام توانمندی‌های خود را برای درک و پاسخ به سوانح متفاوت به عرضه گذارند. بنابراین، با توجه به نقش مشارکت زنان در فرایند مدیریت بحران، شناسایی مؤلفه‌ها و تحلیل بر این امر می‌تواند زمینه‌ساز حضور مؤثر آنان گردد. شناخت این مؤلفه‌ها می‌تواند زمینه‌ساز تبدیل گروه از قشری آسیب‌پذیر به قشری توانمند، فعال و مؤثر باشد. از این رو، تحقیق به شیوه‌ی پیمایشی با تکمیل پرسش‌نامه به استخراج این عوامل پرداخته است. برای تکمیل داده‌ها از روش نمونه‌گیری تناسبی استفاده شد و داده‌ها با روش تحلیل عاملی بررسی گردید. با استفاده از این روش داده‌ها و متغیرها مورد نظر خلاصه شد و مؤثرترین عوامل در این مشارکت تعیین گردید. این عوامل شامل دانش مدیریت بحران، عوامل فرهنگی و جنستی، تقدیرگرایی، احساس قدرت و اعتماد به نفس بود که نتایج در این چهار بعد با استفاده از تحلیل عاملی بررسی شد. در بخش دانش مدیریت بحران مقدار KMO معادل ۰/۷۴ بود و مجموع متغیرهای این بخش در چهار عامل ۶۷/۴۲ درصد از تغییرپذیری (واریانس) متغیرها را تبیین کردند. مقدار KMO در بخش احساس قدرت و اعتماد به نفس ۰/۷۲ بود و متغیرهای این بخش نیز با چهار عامل ۶۵/۲۷ درصد از تغییرپذیری متغیرها را تبیین کردند. مقدار KMO تقدیرگرایی معادل ۰/۵۹۹ بود و این بخش با چهار عامل توانست ۵۹/۵۶ درصد از تغییرپذیری متغیرها را تبیین کند. سرانجام، مقدار KMO هنجارهای فرهنگی- اجتماعی معادل ۰/۷۱ است و ۷۰/۵۲ درصد از تغییرپذیری متغیرها از طریق پنج عامل در این بخش تبیین شده است.

واژگان کلیدی: چرخه‌ی مدیریت بحران، مشارکت زنان، تحلیل عاملی، شهر تهران.

[1] - نویسنده مسئول Email: sabadri@ut.ac.it



[ Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28 ]

**مقدمه**

مشارکت جامعه یکی از مباحث مطرح در مدیریت بحران است. در واقع، مشارکت جامعه سهیم شدن مردم در تمـامی فراینـدهای مربوط به چرخه‌ی مدیریت بحران است: روندی که طی آن مردم در معرض خطر یا متـأثر از بلایـا خودجـوش یـا هـدایت‌شـده در فرایندهای مربوط به تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و اجرا شرکت می‌کنند و به تنهایی یا بـا کمـک سـازمان‌هـای دولتـی و غیردولتـی محلی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی سعی در پیشگیری از بحران یا، در صورت وقوع آن، بازگرداندن جامعه به شرایط قبل از رخـداد دارند. از آنجا که فرصت‌ها و زمینه‌های مشارکت مردم از جامعه‌ای به جامعه دیگر (جهانگیری و همکاران، ۱۳۸۹) و حتی از گروهی به گروه دیگر متفاوت است، از این رو برای جلب مشارکت هر گروه شناسایی مؤلفه‌های مؤثر ضروری است.

بر مبنای شواهد موجود، گروه‌های گوناگون جامعه می‌توانند نقش بسیار مهمی در مدیریت سوانح ایفا کنند. در نتیجه، کشورهایی آسیب‌پذیریِ کمتری خواهند داشت که قشرهای مختلف مردم مستقیم در فعالیت‌های کاهش خطر شرکت کنند و هر کدام توانمندی‌های خود را برای درک سوانح متفاوت و، همچنین، واکنش به آن نشان دهند. بنابراین، باید نیازها، نگرش‌ها و نقش‌های گوناگون مردم در جامعه شناسایی شود تا راه برای ارتقای روش‌ها و برنامه‌های کاهش خطر سوانح هموارتر شود. در این زمینه، همکاری زنان در کنار مردان می‌تواند در به‌کارگیری و اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های مرتبط با سوانح نقش مهمی ایفا کند (استوار ایزدخواه، ۱۳۸۹). از سوی دیگر، اگر تعریف توسعه را ــیعنی «فرایندی که طی آن از میزان آسیب‌پذیری‌ها کاسته و بر میزان ظرفیت‌ها افزوده می‌شود» (Anderson et al.,۱۹۸۹:۱۰)ــ بپذیریم، باید اذعان کنیم که با توجه فزاینده‌ی به رویکردهای مشارکتی در سال‌های اخیر و تأکید بر اهمیت مشارکت به منزله‌ی یکی از اهداف توسعه‌ی پایدار، بدون تردید نقش تعیین کننده‌ی زنان در مقام بخشی از اجتماع انسانی در این فرایند اهمیت خواهد داشت.

مطالعات مربوط به مشارکت و همکاری زنان در مدیریت بحران به دو دسته تقسیم می‌شود. دسته‌ی اول مطالعات مربوط به مسائل و کمبودهای موجود در به‌کارگیری استعدادها، ظرفیت‌ها و توانمندی‌های زنان در چرخه‌ی مدیریت بحران و، در نتیجه، آسیب‌پذیری آنان از بحران‌هاست. مطالعات صورت گرفته در این دسته عمدتاً مبتنی بر تجارب به‌دست آمده از بحران‌های طبیعی و مسائل مربوط به مدیریت آن‌هاست. هدف این نوع مطالعات کسب درک صحیح‌تر از پارامترهای گوناگون، مانند سن، جنسیت، موقعیت اقتصادی و اجتماعی، اعتقادات مذهبی، سواد و معلومات مربوط به مخاطره‌های محیطی جمعیت آسیب‌دیده، یعنی زنان، است. در بسیاری از مطالعات، به بررسی اوضاع زنان به هنگام و پس از بحران‌های متفاوت پرداخته شده است تا نشان داده شود زنان با چه مسائل و مشکلاتی در شرایط بحرانی مواجه‌اند و آسیب‌پذیری آن‌ها تابع چه عواملی است. اگر چه برخی از این مطالعات رویکرد فمنیستی دارند، تعداد فراوانی از آن‌ها درصدد شناخت این مسئله بدون توجه به این رویکرد بوده‌اند. بیشتر این مطالعات در دو دهه‌ی اخیر، به خصوص بعد از سونامی سال ۲۰۰۴ میلادی در آسیا، صورت گرفت. درصد فراوانی از این مطالعات در کشورهای در حال توسعه صورت گرفته‌اند (Anderson et al., ۱۹۸۹؛ Biermann, ۲۰۰۶؛ Childs, ۲۰۰۶ ؛ Galambos, ۲۰۰۵؛ Global Action on Aging, ۲۰۰۴؛ Hyndmann, ۲۰۰۸؛ Ikeda, ۲۰۰۷؛ Lalasz, ۲۰۰۵؛ MacDonald, ۲۰۰۵؛ Pikul, ۲۰۰۵).

گروه دوم مطالعات مربوط به بررسی عوامل مؤثر در ایجاد شرایط مناسب برای مشارکت زنان در چرخه‌ی مدیریت بحران است. برخی از این مطالعات راهکارهایی را بررسی کرده‌اند که زنان به طور طبیعی و، شاید، ناخواسته در شرایط بحرانی و پس از آن برای کمک به خانواده و جامعه خود داشته‌اند. برخی دیگر از این مطالعات به بررسی نقش زنان در فرایندهای پیشگیری و آمادگی در برابر بحران‌ها و نحوه‌ی استفاده از ظرفیت‌های آنان در مدیریت بحران پرداخته‌اند. این مطالعات را بیشتر محققان رشته‌های



[ Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28 ]

گوناگون انجام داده‌اند که از روش‌های متفاوتی نیز استفاده کرده‌اند. اگر چه راهکارهای عنوان شده در این مطالعات درباره‌ی بحران‌های بررسی شده در کشورهای مورد مطالعه هستند، بسیاری از آن‌ها محدود به زنان کشوری یا در مقابله با نوعی مخاطره‌ی خاص نیستند و می‌توان، با الگو گرفتن از تجارب و نتیجه‌ی تلاش‌های مدیران بحران در جوامع دیگر، روشی مناسب برای ارتقای مشارکت زنان در چرخه‌ی مدیریت بحرانِ شهر تهران ارائه داد. به طور خلاصه، نتایج مطالعات بر تغییر نقش زنان در مدیریت بحران تأکید دارند (Choo, ۲۰۰۵؛ ISDR, ۲۰۰۵؛ Latha, ۲۰۰۷؛ Pittaway et al., ۲۰۰۵؛ Tanesia, ۲۰۰۷؛ Yonder et al., ۲۰۰۵). با توجه به این مطالعات، یکی از مهم‌ترین ابزارها در مدیریت بحران در مناطق پرجمعیت، افزایش مشارکت و توانمندسازی همه افراد جامعه، به ویژه زنان و بهبود کار آنان، در فرایند مدیریت بحران (پیشگیری، آمادگی، مقابله و بازسازی) است. اما به‌رغم اهمیت مشارکت زنان در فرایند مدیریت بحران، در بیشتر موارد زنان فقط در حد بازماندگان و پاسخ‌دهندگان طبیعی و ناشناخته بحران‌ها و حوادث بوده‌اند (Anderson et al., ۱۹۸۹:۱۸).

در بررسی نظریه‌های مشارکت دو رویکرد عمده را می‌توان تشخیص داد: نگرش خرد و نگرش کلان. در سطح خرد بر انگیزه، گرایش و رفتار مشارکت تأکید می‌شود و در سطح کلان زمینه‌ها و شرایط و عناصر ساختاری اهمیت دارد. کنش مشارکتی به دو بخش ذهنی و رفتاری تقسیم شده است که بخش ذهنی تمایلات و گرایش‌های فردی را دربر می‌گیرد و بخش رفتاری اجرای فعالیت‌های داوطلبانه‌ی جمعی را مد نظر دارد. هومنز رفتارها را نتیجه‌ی محاسبه‌ی سود و زیان تلقی کرده است. رفتار مشارکتی زمانی نهادی می‌شود که منافع حاصل از آن بر هزینه‌ها فزونی داشته باشد. ماکس وبر بر نظام باورها، گرایش‌ها و تأثیرات آن بر مشارکت متمرکز است. نظریه‌های نابسامانی، از خود بیگانگی و بی‌قدرتی خصایصی چون احساس بی‌قدرتی و نابسامانی فردی را متأثر از شرایط اجتماعی می‌دانند. هر چه میزان این احساس در میان افراد بیشتر باشد، تقاضای آنان در فعالیت‌های جمعی و مشارکتی کاهش می‌یابد. بیگانگی سیاسی و اجتماعی عوارضی چون بی‌اعتنایی، انفعال و بی‌طرفی را در پی دارد که خود موجب دوری از اجتماع و جامعه می‌شود و، در نتیجه، رفتارهای مشارکتی امکان بروز نمی‌یابند. هابرماس در نظریه‌ی خود شکل‌گیری حوزه‌ی عمومی و گفتمان خردمندانه را بستری مناسب برای افکار عمومی و مشارکت دانسته است (موسایی و رضوی، ۱۳۹۰).

بر اساس الگوی مشارکت دوایت دین بین مشارکت افراد و پایگاه اجتماعی آنان رابطه وجود دارد. هانتینگتون و نلسون در کتاب خود تحت عنوان *مشارکت سیاسی در کشورهای در حال توسعه، یک انتخاب مشکل* معتقدند که مشارکت سیاسی و اجتماعی تابعی از فرایند توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی کشورهاست. به طوری که توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی به دو صورت بر مشارکت مردم تأثیر می‌گذارد:

الف) از طریق تحول اجتماعی:

با ایجاد تحولی اجتماعی که منجر به کسب منزلت اجتماعی در فرد می‌شود، احساس توانمندی و قدرت تأثیرگذاری او را در تصمیم‌گیری و مشارکت افزایش می‌دهد و سبب تغییر نگرش درباره‌ی موضوعات می‌گردد. این نگرش سبب می‌گردد که فرد تمایل بیشتری به مشارکت سیاسی و اجتماعی داشته باشد. برای مثال، کسب سواد و دانش باعث می‌شود که این چنین نگرشی ایجاد گردد.

ب. از طریق عضویت سازمانی:

هنگامی که فردی به عضویت سازمان یا نهاد یا حتی گروه اجتماعی‌ای درآید، امکان و موقعیت مشارکت اجتماعی نیز تقویت می‌شود و، در نتیجه، فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی افزایش می‌یابد. برای مثال، هنگامی که فردی به عضویت گروه



[ Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28 ]

اجتماعی یا زیست‌محیطی درآید، احساس مسئولیت در او تقویت می‌گردد و شخص تمایل بیشتری در مشارکت (اعم از سیاسی، اجتماعی و زیست‌محیطی) دارد. در کل، می‌توان الگوی مشارکت سیاسی و اجتماعی هانتینگتون و نلسون را به صورت شکل ۱ گسترش داد (بگ‌رضایی، ۱۳۸۷).

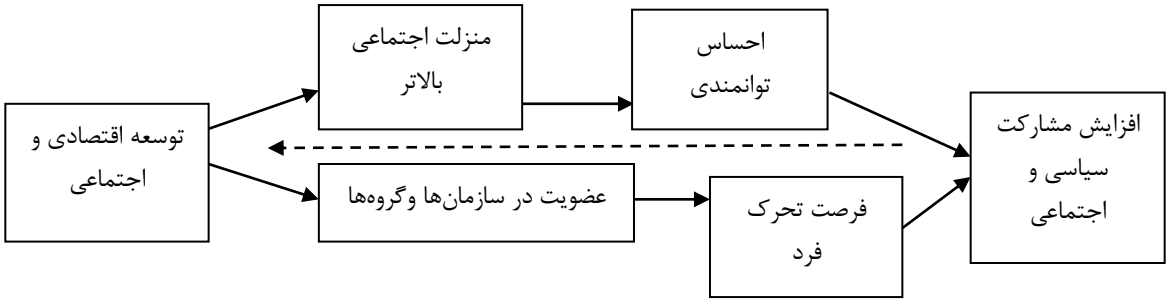


**شکل ۱. الگوی مشارکت سیاسی و اجتماعی هانتینگتون و نلسون.**

لیپست در بررسی مشارکت سیاسی ـ اجتماعی متغیرهای اجتماعی مختلفی را وارد کرده است. این متغیرها عبارت‌اند از: درآمد، تحصیلات، شغل، سن، جنس، محل سکونت، وضعیت تاهل، وضعیت جامعه و سامان آن. از دیدگاه هانتینگتون و نلسون، مشارکت سیاسی و اجتماعی بیشتر متأثر از مداخله و همکاری افراد در فعالیت‌های تشکل‌ها و سازمان‌هاست. از نظر لرنر تکامل جامعه‌ای مشارکتی بعد از سه مرحله‌ی متواتر و منظم حاصل می‌شود. این مراحل به ترتیب عبارت‌اند از شهرنشینی، سواد، مشارکت رسانه‌ای (شامل میزان خرید روزنامه‌ها، مجلات، داشتن رادیو و تلویزیون و حضور در سینماها) و مشارکت انتخاباتی. استدلال آلموند و وربا این است که هرچقدر سه نهاد اجتماعی، یعنی خانواده، مدرسه و شغل، الگوی مشارکت قوی‌تری را نهادینه کرده باشند و فرد در درون این سه نهاد سابقه‌ی مشارکتی بیشتری داشته باشد در مراحل بعدی زندگی مشارکت سیاسی فراوانی خواهد داشت و جامعه‌ی مربوط از نظر فرهنگ سیاسی به فرهنگ مشارکتی نزدیک‌تر خواهد بود (Almond and Verba:۱۹۷۵، به نقل از عنبری:۱۳۸۰: ۹۲)

اینگلهارت با مطالعه‌ی نوسازی اجتماعی و فرهنگی در جامعه‌ی غرب افزایش مشارکت را در آن جوامع به سه عامل ارتقای سطح تحصیلات و آگاهی‌های سیاسی، تغییر هنجارهای حاکم بر مشارکت زنان و تغییر در اولویت‌های ارزشی مربوط می‌داند که از نیازهای آنی طبیعی می‌کاست و بر حق ابراز نظر تأکید می‌ورزید. به نظر او، متغیرهای تحصیلات رسمی، موقعیت اجتماعی - اقتصادی، سطوح مهارت و اطلاعات و مهارت‌های ارتباطی، تجربه‌های شغل، شبکه‌های سازمانی، تقلیل تفاوت‌های جنسی در وظایف اجتماعی و سیاسی بر افزایش مشارکت تأثیر دارند (اینگلهارت: ۱۳۸۴: ۳۷۸).

بر اساس رویکرد مکفرسون، پیش‌شرط اول° تحول در آگاهی یا ناآگاهی مردم است. نگاه مردم به خود در مقام انسان‌های ذاتاً مصرف‌کننده و عمل مردم بر این اساس باید تحول یابد. مردم باید خود را اعمال کننده‌ی توانایی‌های خود و، همچنین، بهره گیرنده از اعمال و پرورش این توانمندی‌ها بنگرند و بر اساس آن عمل کنند. پیش‌شرط دیگر از دیدگاه مکفرسون تقلیل در نابرابری کنونی اجتماعی و اقتصادی است، زیرا چنان‌که او استدلال می‌کند این نابرابری مستلزم نظام حزبی غیر مشارکتی برای حفظ یکپارچگی جامعه است (مکفرسون ۱۳۷۶: ۱۵۵).



[ Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28 ]

درباره‌ی نقش زنان در توسعه‌ی ایران دو طیف وجود دارند: گروهی بر این نظرند که زنان با ایفای نقش واسطه‌ای و پنهان و با فراهم آوردن شرایط مطلوب برای کار مردان و سایر اعضای خانواده نقش مهمی در تعالی جامعه دارند. گروه دیگر، بیشتر به نقش زنان در عرصه‌ی اجتماع توجه دارند و با استفاده از آمار و ارقام تأکید می‌کنند که نقش زنان در فعالیت‌های اجتماعی ناچیز است و باید متحول شود. این گروه، با توجه به این موضوع که زنان نیمی از جمعیت را تشکیل می‌دهند، بر این نظرند که استفاده نکردن از نیروی کار زنان سبب کندی در توسعه می‌شود. بنابراین، باید شرایطی فراهم آورد تا زنان بتوانند هر چه بیشتر نقش‌های اجتماعی خود را ایفا کنند (قنبری و همکاران، ۱۳۹۱).

به طور خلاصه، پژوهش حاضر ــ با توجه به این امر که در سال‌های اخیر رخداد زلزله‌ی تهران در کانون توجهات قرار گرفته است ــ با هدف ارتقای مشارکت گروه زنان و شناسایی و تحلیل مؤلفه‌های مؤثر بر مشارکت زنان در مدیریت بحران صورت گرفته است که می‌تواند زمینه‌ساز حضور مؤثر آنان گردد و این افراد را از گروهی آسیب‌پذیر به گروهی توانمند، فعال و مؤثر تغییر دهد. در پژوهش‌های اخیر، اصل مشارکت زنان در فرایند مدیریت بحران پذیرفته شده است، ولی ضرورت تحقیق حاضر از آنجاست که چگونگی این کار هنوز به دقت بررسی علمی نشده و راهکارها و سازوکارهای آن به درستی و به صورت اجرایی مطالعه نشده است. این ادعا در باب شهر تهران نیز صادق است. در شهر تهران، برای مدیریت بحران هم به کاهش آسیب‌پذیری‌ها و هم به ایجاد ظرفیت‌ها و استفاده‌ی بهینه از همه‌ی ظرفیت‌ها نیاز است. سازمان‌های مسئول در شهر می‌توانند با شناخت بهتر ظرفیت‌های زنان و با انگیزه دادن به آنان شرایط مطلوب‌تری را برای مدیریت یکپارچه، جامع و فراگیر بحران، از پیشگیری تا بازسازی، ایجاد کنند. شناخت ابعاد و عوامل مؤثر بر مشارکت زنان می‌توانند نقش مهمی در بهره‌گیری از فرصت‌های موجود برای افزایش مشارکت این گروه در فرایند مورد نظر باشد. گفتنی است که در این تحقیق مشارکت زنان در تمام سطوح و فرایند مدیریت بحران مدنظر است. با توجه به هدف و مسئله‌ی تحقیق سؤال و فرضیه تحقیق به شرح زیر است:

آیا عوامل مؤثر بر مشارکت زنان با عوامل مؤثر بر مشارکت سایر گروه‌های اجتماعی در فرایند مدیریت بحران متفاوت است؟ به عبارتی دیگر، آیا برای مشارکت زنان در چرخه‌ی مدیریت بحران عواملی جدا از عوامل مؤثر در مشارکت سایر گروه‌ها نقش دارند؟

با توجه به سؤال ذکر شده، فرضیه این تحقیق بر این مبناست که به نظر می‌رسد عواملی خاص در مشارکت زنان در فرایند مدیریت بحران نقش دارند.

## داده‌ها و روش کار

این تحقیق از نوع پیمایشی است و جنبه‌ی کاربردی دارد. با توجه به مبانی نظری تحقیق، پرسشنامه‌ای شامل چهار بخش طراحی و از طریق نمونه‌گیری تکمیل شد. بنا بر سنت تحقیقات اجتماعی و یافته‌های حاصل از پژوهش‌های تجربی پیشین درزمینهٔ مشارکت زنان در مدیریت بحران و عوامل مؤثر بر مشارکت‌های داوطلبانه، متغیرهای اجتماعی زمینه‌ای و وضعیتی (شامل پایگاه اجتماعی- اقتصادی، شغل، وضعیت تاهل، تعداد فرزندان و سن) و نیز نگرش مذهبی و تقدیرگرایی به منزله‌ی عوامل مؤثر بر انگیزه و آمادگی برای مشارکت داوطلبانه در زمینه‌ی مدیریت بحران بررسی و سنجش می‌شود. جمعیت آماری این مطالعه را کلیه‌ی زنان



[ Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28 ]

ساکن در مناطق بیست‌ودوگانه شهر تهران تشکیل می‌دهند. البته، از این تعداد چهارصد نفر از افراد گروه‌های دوام[۲] انتخاب شده‌اند. به لحاظ سن، نمونه‌ها ۱۸ و بالاتر سن داشته‌اند (جدول ۱). مراحل نمونه‌گیری به شرح زیر است:

- محاسبه‌ی جمعیت مناطق بیست‌ودوگانه در تهران؛
- تعیین توزیع تناسبی اندازه‌ی نمونه برحسب سن و جنس در هر بیست‌ودو منطقه؛
- توزیع نمونه‌ها برحسب ده مورد در هر حوزه. برای مثال، اگر منطقه‌ای شصت نمونه داشته است، از آن منطقه شش حوزه انتخاب و در هر حوزه ده نمونه توزیع شده است؛
- انتخاب بلوکی برای هر حوزه. در این مثال، شش بلوک خواهیم داشت؛
- انتخاب واحدهای نمونه برحسب توزیع تناسبی اندازه نمونه‌ی سن و جنس شهروندان؛
- انتخاب واحدهای مشاهده برحسب گروه‌های سنی و جنسی از خانوارهای درون هر بلوک (جدول ۲)؛

**جدول ۱. توزیع نمونه‌ها برحسب گروه‌های سنی و نوع گروه پاسخگویان**

| گروه سنی | دوام | | غیر دوام | | کل |
|---|---|---|---|---|---|
| | فراوانی | درصد | فراوانی | درصد | |
| ۱۸-۲۴ | ۷۱ | ۱۸/۶ | ۱۲۱ | ۱۵/۲ | ۱۹۲ |
| ۲۵-۳۴ | ۱۲۰ | ۳۱/۴ | ۲۶۴ | ۳۳/۱ | ۳۸۴ |
| ۳۵-۴۴ | ۱۰۶ | ۲۷/۷ | ۱۷۲ | ۲۱/۶ | ۲۷۸ |
| ۴۵-۵۴ | ۶۸ | ۱۷/۸ | ۱۳۶ | ۱۷ | ۲۰۴ |
| ۵۵ و بیشتر | ۱۷ | ۴/۵ | ۱۰۵ | ۱۳/۲ | ۱۲۲ |
| کل | | | | | ۱۲۰۰ |

برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل عاملی و نرم‌افزار SPSS استفاده شده است. تحلیل عاملی بر مؤلفه‌های زیر استوار است: آماره KMO که کفایت نمونه‌برداری نامیده می‌شود، یعنی آیا تعداد متغیرها و محتوای مقیاس برای بررسی مفهومِ مطالعه کفایت می‌کنند. هرچه مقدار آن بیشتر باشد، کفایت نمونه‌برداری بیشتر خواهد بود. اگر مقدارKMO ۰/۶۰ باشد، به راحتی می‌توان تحلیل عاملی را اجرا کرد. اگر KMO ۰/۷۰ باشد، این بدان معناست که متغیرهای موجود برای تحلیل عامل مناسب‌اند. به عبارت دیگر، همبستگی‌های موجود در ماتریس همبستگی برای تحلیل عاملی مناسب‌اند. اگرKMO بین ۰/۵۰ تا ۰/۶۰ باشد باید دقت فراوانی به کار رود. اگر کمتر از ۰/۵۰ باشد تحلیل برای آن مجموعه از متغیرها مناسب نیست. در کل، KMO شاخصی برای انتخاب بهترین

[۲]. داوطلبان واکنش امداد محلات.



[ Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28 ]

متغیرها به منظور تحلیل عاملی است. حتی می‌توان با معیار KMO، متغیرهایی انتخاب کرد که بار عاملی آن‌ها برابر و بیشتر از ارزش KMO است. در کل، اگر مقدار KMO ۰/۵۰ و بیشتر و آزمون بارتلت نیز معنادار باشد، می‌توان به نتیجه تحلیل عاملی اعتماد کرد. KMO شاخصی برای انتخاب مناسب‌ترین متغیرهای موجود در ماتریس همبستگی برای تحلیل عاملی است. در نتیجه، بر مبنای آن تحلیل‌گر می‌تواند مجموعه‌ای از متغیرها را برای تبیین انتخاب کند.

**جدول۲. نمونه‌ها بر اساس مناطق، حوزه‌ها و بلوک‌ها**

| منطقه | حوزه | بلوک | منطقه | حوزه | بلوک | منطقه | حوزه | بلوک | منطقه | حوزه | بلوک |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۱ | ۴ | ۱ | ۲ | ۸ | ۷ | ۳ | ۷ | ۶ | ۴ | ۲ | ۴ |
| | ۳۱ | ۲ | | ۵۱ | ۴ | | ۸۵ | ۵ | | ۲۷ | ۳ |
| | ۶۰ | ۱ | | ۱۷۹ | ۸ | | ۱۵۷ | ۲ | | ۹۴ | ۳ |
| | ۱۱۳ | ۹ | | ۲۰۱ | ۶ | ۷ | ۴۷ | ۲ | | ۱۰۴ | ۲ |
| ۵ | ۳۹ | ۴ | | ۲۶۷ | ۱۰ | | ۵۳ | ۶ | | ۱۷۹ | ۴ |
| | ۷۶ | ۴ | | ۳۷۳ | ۸ | | ۸۶ | ۳ | | ۳۰۴ | ۴ |
| | ۹۲ | ۳ | ۶ | ۴۰ | ۷ | ۸ | ۴۳ | ۵ | | ۳۶۳ | ۵ |
| | ۱۰۹ | ۳ | | ۹۵ | ۲ | | ۱۳۶ | ۳ | | ۴۰۴ | ۳ |
| | ۱۷۲ | ۳ | ۹ | ۴۰ | ۴ | | ۹۶ | ۳ | ۱۰ | ۴۲ | ۲ |
| | ۲۱۶ | ۹ | | ۶۹ | ۱ | | ۲۴۰ | ۲ | | ۱۰۵ | ۲ |
| | ۳۰۱ | ۴ | ۱۲ | ۲۰ | ۹ | ۱۴ | ۴۳ | ۹ | | ۱۲۳ | ۳ |
| | ۳۴۱ | ۲ | | ۱۰۰ | ۲ | | ۴۷ | ۵ | ۱۵ | ۱۵ | ۴ |
| ۱۱ | ۲۹ | ۲ | ۱۳ | ۱۷ | ۸ | | ۷۵ | ۲ | | ۵۱ | ۲ |
| | ۸۱ | ۷ | | ۷۵ | ۶ | | ۱۳۲ | ۳ | | ۵۴ | ۶ |
| | ۱۳۴ | ۴ | | ۱۱۱ | ۵ | | ۱۷۰ | ۳ | | ۲۳۰ | ۲ |
| ۱۶ | ۲۹ | ۵ | ۱۷ | ۴۲ | ۴ | ۱۸ | ۴۴ | ۸ | | ۲۷۶ | ۱ |
| | ۱۰۳ | ۱ | | ۱۴۴ | ۳ | | ۹۰ | ۴ | | ۳۳۱ | ۱ |
| | ۱۵۸ | ۱ | ۲۱ | ۸ | ۷ | | ۱۱۰ | ۹ | ۱۹ | ۶۴ | ۴ |
| ۲۰ | ۵۳ | ۸ | | ۱۷ | ۲ | | ۱۵۰ | ۱۰ | | ۹۴ | ۵ |
| | ۱۳۴ | ۲ | ۲۲ | ۱۵ | ۱۵ | | | | | | |
| | ۱۸۶ | ۱۵ | | ۲۷ | ۹ | | | | | | |

## شرح و تفسیر نتایج

### الف) دانش مدیریت بحران

این بخش از پرسش‌نامه شامل ۱۳ سؤال با آلفای کرونباخ ۰/۸۵۱ بود. مقدار KMO در این بخش معادل ۰/۷۴ است. بدین معنا که همه متغیرهای موجود در این بخش قابل استفاده در تحلیل عاملی هستند. به عبارت دیگر، تعداد متغیرها برای ارزیابی کافی است.



[ Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28 ]

همچنین، سطح معناداری آزمون بارتلت کوچک‌تر از پنج درصد است که نشان می‌دهد تحلیل عاملی برای شناسایی ساختار° مدلِ عاملی مناسب است و فرض شناخته شده بودن ماتریس همبستگی (ماتریس همانی) رد می‌شود (جدول ۳). جدول ۴ مقادیر اشتراک را برای هر یک از متغیرهای استفاده در این بخش نشان می‌دهد که براساس مقادیر اشتراک استخراجی در تحلیل نهایی باید گویه‌های را حذف کرد که این مقدار برای آن‌ها کمتر از ۰/۵ باشد. در این قسمت، تقریباً تمامی گویه‌ها مقداری بیشتر یا نزدیک ۰/۵ دارند و می‌توان از آن‌ها در تحلیل استفاده کرد. جدول ۵ نشان‌دهنده‌ی مقادیر ویژه‌ی عوامل استخراجی با چرخش است. در این بعد عامل‌های ۱، ۲، ۳ و ۴ دارای مقدار ویژه بزرگ‌تر از ۱ بوده و در تحلیل باقی می‌مانند. با توجه به ستون واریانس تجمعی نسبی، این چهار عامل می‌توانند ۶۷/۴۲ درصد از تغییرپذیری (واریانس) متغیرها را تبیین کنند. بر اساس جدول ماتریس چرخیده شده‌ی اجزا (جدول ۶)، هر چه مقدار قدر مطلق این ضرایب بیشتر باشد، عامل مربوطه نقش بیشتری در کل تغییرات (واریانس) متغیر مورد نظر دارد. این جدول شامل بارهای عاملی هر یک از گویه‌ها در چهار عامل باقی‌مانده پس از چرخش است. همان طور که این جدول نشان می‌دهد در این بخش دَه گویه روی یک عامل بار بیشتری دارند.

**جدول ۳. آزمون بارتلت و شاخص KMO**

| | | |
|---|---|---|
| شاخص KMO | | ۰.۷۳۶ |
| نتایج آزمون بارتلت | کای دو | ۲۳۳.۲۰۱ |
| | درجه آزادی | ۷۸ |
| | سطح معناداری | ۰.۰۰۰ |

**جدول ۴. اشتراک‌ها**

| | |
|---|---|
| آشنایی با سوانح | ۰.۵۲۲ |
| نقش حکومت در مدیریت بحران | ۰.۴۵۶ |
| نقش گروه‌های اجتماعی غیر دوام | ۰.۷۹۶ |
| نقش گروه‌های اجتماعی دوام | ۰.۴۷۸ |
| کیف نجات و چگونگی آماده‌سازی | ۰.۷۲۰ |
| راه‌های تثبیت اجزای غیر سازه‌ای و اجرای آن‌ها در منزل و محل کار | ۰.۵۹۴ |
| تشخیص نقاط امن و ناامن در ساختمان | ۰.۶۳۱ |
| کمک‌های اولیه | ۰.۷۲۳ |
| اطفای حریق | ۰.۸۹۹ |
| امداد و نجات | ۰.۸۰۵ |
| روان‌شناسی بحران بعد از وقوع سانحه | ۰.۶۷۵ |
| مقاوم‌سازی ساختمان‌ها و بناها | ۰.۶۹۲ |
| اسکان اضطراری بعد از سوانح | ۰.۷۷۴ |



[ Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28 ]

**جدول ۵. جدول واریانس‌های تشریح شده**

| مؤلفه | مجموع | واریانس٪ | واریانس تجمعی % |
|---|---|---|---|
| ۱ | ۲.۷۴۹ | ۲۱.۱۴۷ | ۲۱.۱۴ |
| ۲ | ۲.۶ | ۲۰ | ۴۱.۱۴ |
| ۳ | ۱.۸۸ | ۱۴.۵۲ | ۵۵.۶۷ |
| ۴ | ۱.۵۲ | ۱۱.۴۷ | ۶۷.۴۲ |

**جدول ۶. ماتریس چرخیده شده‌ی اجزا**

| | مؤلفه | | | |
|---|---|---|---|---|
| | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| آشنایی با سوانح | ۰.۶۲۶ | ۰.۳۳۶ | -۰.۰۱۹ | ۰.۱۳۱ |
| نقش حکومت در مدیریت بحران | ۰.۴۵۲ | ۰.۴۶۷ | -۰.۰۹۶ | ۰.۱۵۴ |
| نقش گروه‌های اجتماعی غیر دوام | ۰.۳۱۰ | ۰.۳۶۷ | ۰.۷۵۱ | -۰.۰۲۹ |
| نقش گروه‌های اجتماعی دوام | ۰.۵۱۸ | ۰.۲۴۶ | ۰.۲۹۱ | -۰.۲۲۵ |
| کیف نجات و چگونگی آماده‌سازی | ۰.۶۵۵ | ۰.۴۸۴ | -۰.۲۲۳ | -۰.۰۸۱ |
| راه‌های تثبیت اجزای غیر سازه‌ای و اجرای آن‌ها در منزل و محل کار | ۰.۵۹۷ | ۰.۱۳۵ | -۰.۴۶۸ | -۰.۰۲۴ |
| تشخیص نقاط امن و ناامن در ساختمان | ۰.۶۸۴ | -۰.۱۵۱ | -۰.۱۶۳ | ۰.۳۳۶ |
| کمک‌های اولیه | ۰.۶۶۲ | -۰.۴۸۱ | -۰.۱۵۲ | -۰.۱۷۱ |
| اطفای حریق | ۰.۶۸۳ | -۰.۵۸۲ | ۰.۱۷۴ | ۰.۲۵۴ |
| امداد و نجات | ۰.۶۶۲ | -۰.۴۸۴ | ۰.۳۶۳ | -۰.۰۰۷ |
| روان‌شناسی بحران بعد از سوانح | ۰.۵۶۷ | -۰.۲۴۵ | -۰.۱۷۰ | -۰.۵۱۵ |
| مقاوم‌سازی ساختمان‌ها و بناها | ۰.۵۶۵ | ۰.۱۰۱ | ۰.۰۰۶ | ۰.۶۰۲ |
| اسکان اضطراری بعد از سوانح | ۰.۷۷۵ | ۰.۲۰۸ | ۰.۰۵۶ | -۰.۳۵۷ |

**ب) مؤثر بودن و احساس توانایی**

این بخش از پرسشنامه شامل دَه سؤال با آلفای کرونباخ ۰/۸۲۴ بوده و مقدار KMO برای این بخش معادل ۰/۷۲ است. سطح معناداری آزمون بارتلت نیز کوچک‌تر از پنج درصد است که نشان می‌دهد تحلیل عاملی برای شناسایی ساختار° مدلِ عاملی مناسب است و فرض شناخته شده بودن ماتریس همبستگی (ماتریس همانی) رد می‌شود (جدول ۷). بر اساس مقادیر اشتراک در جدول ۸، به جز یک مورد، تقریباً تمامی گویه‌ها مقداری بیشتر یا نزدیک ۰/۵ دارند و می‌توان از آن‌ها در تحلیل استفاده کرد. بر اساس جدول ۹ در این بخش عامل‌های ۱، ۲، ۳ دارای مقدار ویژه بزرگ‌تر از یک هستند و در تحلیل باقی می‌مانند. این چهار عامل می‌توانند ۶۵/۲۷ درصد از تغییرپذیری (واریانس) متغیرها را تبیین کنند. بر اساس مقادیر بارهای عاملی هر کدام از متغیرها در جدول ماتریس چرخیده شده‌ی اجزا (جدول ۱۰)، اکثر متغیرها روی عامل اول و دوم بار بیشتری دارند.



[ Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28 ]

**جدول ۷. آزمون بارتلت و شاخص KMO**

| | | |
|---|---|---|
| ۰.۷۲۲ | شاخص KMO | |
| ۱۷۱.۰۶۲ | کای دو | نتایج آزمون بارتلت |
| ۴۵ | درجه آزادی | |
| ۰.۰۰۰ | سطح معناداری | |

**جدول ۸. اشتراک‌ها**

| | |
|---|---|
| انجام اقدامات پیشگیرانه در مقابل سوانح | ۰.۸۷۱ |
| آمادگی | ۰.۵۶۸ |
| آموزش کودکان و بزرگ‌سالان | ۰.۴۸۹ |
| فعالیت در اورژانس و گروه‌های امدادی | ۰.۷۲۷ |
| خود امدادی و دگر امدادی (انتقال آموخته‌ها و تجارب) | ۰.۸۱۶ |
| رهبری یا عضویت فعال در انجمن‌های مردمی | ۰.۸۰۶ |
| سیاست‌گذاری و اجرای برنامه‌ها | ۰.۷۷۵ |
| کاهش خطرات ناشی از سوانح | ۰.۴۷۷ |
| فایده‌مند/اثربخش | ۰.۶۱۱ |

**جدول ۹. جدول واریانس‌های تشریح شده**

| مؤلفه | مجموع | واریانس٪ | واریانس تجمعی٪ |
|---|---|---|---|
| ۱ | ۲.۸۴ | ۲۵.۴۵ | ۲۸.۴۵ |
| ۲ | ۲.۶۱ | ۲۶.۱۶ | ۵۴.۶۲ |
| ۳ | ۱.۰۶ | ۱۰.۶۴ | ۶۵.۲۷ |

**جدول ۱۰. ماتریس چرخیده شده‌ی اجزا**

| | مؤلفه | | |
|---|---|---|---|
| | ۱ | ۲ | ۳ |
| انجام اقدامات پیشگیرانه در مقابل سوانح | ۰.۲۰۹ | ۰.۱۹۵ | ۰.۸۸۸ |
| آمادگی | -۰.۰۵۲ | ۰.۷۴۹ | ۰.۰۶۷ |
| آموزش کودکان و بزرگ‌سالان | -۰.۰۱۴ | ۰.۶۷۸ | ۰.۱۷۳ |
| فعالیت در اورژانس و گروه‌های امدادی | ۰.۴۵۷ | ۰.۷۱۸ | -۰.۰۵۷ |
| خود امدادی و دگر امدادی (انتقال آموخته‌ها و تجارب) | ۰.۶۴۲ | ۰.۴۵۷ | -۰.۴۴۱ |
| رهبری یا عضویت فعال در انجمن‌های مردمی | ۰.۸۷۵ | ۰.۱۹۲ | ۰.۰۵۷ |
| سیاست‌گذاری و اجرای برنامه‌ها | ۰.۸۶۸ | ۰.۱۰۹ | ۰.۰۹۸ |
| کاهش خطرات ناشی از سوانح | ۰.۶۷۵ | ۰.۰۴۹ | ۰.۱۳۵ |
| فایده‌مند/اثربخش | ۰.۳۹۱ | ۰.۶۷۰ | -۰.۰۹۴ |



[ Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28 ]

### ج) تقدیرگرایی

این بخش از پرسشنامه شامل ۵ سؤال با آلفای کرونباخ ۰.۵۹۴ است. مقدار KMO در این بخش معادل ۰/۵۹۹ است بدین معنا که با کمی دقت می‌توان از گویه‌های موجود در این بخش در تحلیل عاملی استفاده کرد. همچنین سطح معناداری آزمون بارتلت کوچک‌تر از ۵ درصد است (جدول ۱۱). بر اساس مقادیر اشتراک استخراج شده در جدول (۱۲)، در این قسمت تمامی متغیرها به جزء یک مورد مقداری بیشتر از ۰/۵ دارند و می‌توان از آن‌ها در تحلیل استفاده کرد. همچنین، در این بخش عامل‌های ۱، ۲ دارای مقدار ویژه بزرگ‌تر از ۱ هستند و در تحلیل باقی می‌مانند (جدول ۱۳). این چهار عامل می‌توانند ۵۹/۵۶ درصد از تغییرپذیری (واریانس) متغیرها را تبیین کنند. بر اساس جدول ماتریس چرخیده شده‌ی اجزاء (جدول ۱۴)، در این بخش ۳ گویه روی عامل دوم و ۲ گویه روی عامل اول بار بیشتری دارند.

**جدول ۱۱. آزمون بارتلت و شاخص KMO**

| | | |
|---|---|---|
| ۰.۵۹۹ | شاخص KMO | |
| ۴۳.۷۹ | کای دو | نتایج آزمون باتلت |
| ۱۵ | درجه آزادی | |
| ۰.۰۰ | سطح معناداری | |

**جدول ۱۲. اشتراک‌ها**

| | |
|---|---|
| مجازات الهی | ۰.۷۴۸ |
| تقدیر و برای مقابله با آن کاری نمی‌توان کرد | ۰.۶۳۵ |
| از طریق توبه می‌توان از وقوع سوانح جلوگیری کرد | ۰.۶۴۶ |
| برای جلوگیری از خسارات و آسیب‌های ناشی از سوانح در شهری مانند تهران کار نمی‌توان کرد | ۰.۶۲۷ |
| بی چون و چرا بوده، سوانح رخ خواهند داد | ۰.۲۶۷ |
| بی‌اثر بودن تکنولوژی | ۰.۶۵۰ |

**جدول ۱۳. جدول واریانس‌های تشریح شده**

| مؤلفه | مجموع | واریانس٪ | واریانس تجمعی٪ |
|---|---|---|---|
| ۱ | ۱.۸۴ | ۳۰.۶۷ | ۳۰.۶۷ |
| ۲ | ۱.۷۳ | ۲۸.۸۸ | ۵۹.۵۶ |

**جدول ۱۴. ماتریس چرخیده شده‌ی اجزا**

| | مؤلفه | |
|---|---|---|
| | ۱ | ۲ |
| مجازات الهی | ۰.۸۶۴ | ۰.۰۴۷ |
| تقدیر و برای مقابله با آن کاری نمی‌توان کرد | ۰.۵۴۷ | ۰.۵۷۹ |
| از طریق توبه می‌توان از وقوع سوانح جلوگیری کرد | ۰.۷۹۸ | -۰.۰۹۷ |
| برای جلوگیری از خسارات و آسیب‌های ناشی از زلزله در شهری مانند تهران کار نمی‌توان کرد | ۰.۰۳۷ | ۰.۷۹۱ |
| بی‌اثر بودن تکنولوژی | -۰.۲۳۱ | ۰.۷۷۳ |



[ Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28 ]

### د) هنجارهای فرهنگی- اجتماعی

این بخش از پرسشنامه شامل ۱۷ سؤال با آلفای کرونباخ ۰/۸۳ بوده و مقدار KMO در این بخش معادل ۰/۷۱ است بدین معنا که همه متغیرهای موجود در ماتریس قابل استفاده در تحلیل عاملی هستند. سطح معناداری آزمون بارتلت نیز کوچک‌تر از ۵ درصد است، که نشان می‌دهد تحلیل عاملی برای شناسایی ساختار، مدل عاملی مناسب است و فرض شناخته شده بودن ماتریس همبستگی رد می‌شود (جدول ۱۵). جدول (۱۶) مقادیر اشتراک را برای هر یک از متغیرهای مورد استفاده در این بخش نشان می‌دهد. در این قسمت به جزء دو مورد (محدودیت‌های قانونی برای حضور زنان در اجرای امور داوطلبانه و امدادی و خودداری شخصی از تعامل با مردان غریبه (حتی امدادرسانان)) تمامی متغیرها مقداری بیش از ۰/۵ دارند و می‌توان از آن‌ها در تحلیل استفاده کرد. جدول (۱۷) نیز نشان‌دهنده‌ی مقادیر ویژه عوامل استخراجی با چرخش است. در این بخش عامل‌های ۱، ۲، ۳، ۴، ۵ دارای مقدار ویژه بزرگ‌تر از ۱ هستند و در تحلیل باقی می‌مانند. ۷۰/۵۲ درصد از تغییرپذیری (واریانس) متغیرها از طریق این پنج عامل تبیین شده است. جدول (۱۸) نیز جدول ماتریس چرخیده شده‌ی اجزا است.

**جدول ۱۵. آزمون بارتلت و شاخص KMO**

| | | |
|---|---|---|
| شاخص KMO | | ۰.۷۱۶ |
| نتایج آزمون بارتلت | کای دو | ۴۳۲.۵۸۴ |
| | درجه آزادی | ۱۳۶ |
| | سطح معناداری | ۰.۰۰۰ |

**جدول ۱۶. اشتراک‌ها**

| | |
|---|---|
| هنجارهای فرهنگی مانند اجازه شوهر برای خروج از خانه | ۰.۶۹۱ |
| محدودیت‌های ناشی از مسئولیت کودکان و مادر بودن | ۰.۶۶۱ |
| محدودیت‌های ناشی از مسئولیت همسری در خانواده | ۰.۸۴۱ |
| محدودیت‌های قانونی برای حضور زنان در اجرای امور داوطلبانه و امدادی | ۰.۳۸۲ |
| نبود تسهیلات خاص و مورد نیاز زنان (نظیر مهدکودک، وسایل ایاب و ذهاب، امکانات بهداشتی) | ۰.۶۹۶ |
| محدودیت‌های ناشی از اعتقادات مذهبی در باب روابط زنان و مردان | ۰.۷۰۷ |
| خودداری شخصی از تعامل با مردان غریبه (حتی امدادرسانان) | ۰.۳۷۸ |
| حمایت نکردن اعضای خانواده در زمینه‌ی مشارکت و انجام خدمات زنان | ۰.۶۲۰ |
| مؤثر ندانستن کمک‌های بشردوستانه و امدادی زنان در زمان حادثه و پس از آن | ۰.۹۰۵ |
| مهم ندانستن حضور زنان در ارائه‌ی خدمات بشردوستانه و امور امدادی در جامعه | ۰.۸۲۵ |
| رواج تفکر مردمحوری در جامعه | ۰.۸۱۴ |
| نگرش‌های متعصبانه و کارشکنی و نارضایتی همسران از اجرای امور داوطلبانه و خدمات بشردوستانه زنان | ۰.۶۱۷ |
| ضعیف‌انگاری و ناکارآمد دانستن زنان در قیاس با مردان به هنگام ارائه‌ی خدمات بشردوستانه و داوطلبانه | ۰.۸۳۱ |
| تأثیر اشتغال زنان در خارج از منزل در ارائه‌ی خدمات داوطلبانه و بشردوستانه | ۰.۷۹۹ |
| نیازهای خاص زنان از جمله بهداشت زنان | ۰.۵۱۶ |
| حاملگی و شیردهی | ۰.۸۰۴ |
| جبر فرهنگی فرودستی زنان نسبت به مردها | ۰.۹۰۰ |



[ Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28 ]

**جدول ۱۷. جدول واریانس‌های تشریح شده**

| مؤلفه | مجموع | واریانس٪ | واریانس تجمعی٪ |
|---|---|---|---|
| ۱ | ۳.۷۶ | ۲۲.۱۳ | ۲۲.۱۳ |
| ۲ | ۲.۴۶ | ۱۴.۴۷ | ۳۶.۶۱ |
| ۳ | ۲.۳۲ | ۱۳.۶۴ | ۵۰.۲۶ |
| ۴ | ۲.۰۹ | ۱۲.۳۴ | ۶۲.۶ |
| ۵ | ۱.۳۴ | ۷.۹۲ | ۷۰.۵۲ |

**جدول ۱۸. ماتریس چرخیده شده‌ی اجزا**

| | مؤلفه | | | | |
|---|---|---|---|---|---|
| | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ |
| هنجارهای فرهنگی مانند اجازه شوهر برای خروج از خانه | ۰.۵۳۶ | -۰.۲۸۹ | ۰.۵۶۴ | ۰.۰۳۵ | -۰.۰۲۰ |
| محدودیت‌های ناشی از مسئولیت کودکان و مادر بودن | ۰.۱۸۵ | ۰.۱۱۴ | ۰.۷۰۶ | ۰.۲۳۹ | ۰.۲۴۰ |
| محدودیت‌های ناشی از مسئولیت همسری در خانواده | ۰.۰۳۱ | ۰.۱۸۹ | ۰.۸۹۶ | ۰.۰۳۷ | ۰.۰۳۱ |
| نبود تسهیلات خاص و مورد نیاز زنان | ۰۱۵۹ | -۰.۱۸۹ | -۰.۱۳۵ | ۰.۷۵۳ | ۰.۲۲۴ |
| محدودیت‌های ناشی از اعتقادات مذهبی در باب روابط زنان و مردان | ۰.۱۷۴ | ۰.۷۱۷ | ۰.۱۳۰ | ۰.۰۷۹ | ۰.۳۷۳ |
| حمایت نکردن اعضای خانواده در زمینه‌ی مشارکت و انجام خدمات زنان | ۰.۵۰۹ | ۰.۲۰۹ | ۰.۵۵۲ | -۰.۰۷۷ | -۰.۰۸۵ |
| مؤثر ندانستن کمک‌های بشردوستانه و امدادی زنان در زمان حادثه و پس از آن | ۰.۴۳۷ | ۰.۸۰۷ | ۰.۰۸۸ | ۰.۰۹۸ | -۰.۲۱۲ |
| مهم ندانستن حضور زنان در ارائه‌ی خدمات بشردوستانه و امور امدادی در جامعه | ۰.۴۵۳ | ۰.۷۲۴ | ۰.۱۹۴ | ۰.۰۲۴ | -۰.۲۳۹ |
| رواج تفکر مردمحوری در جامعه | ۰.۸۷۵ | ۰.۲۱۴ | ۰.۰۴۱ | ۰.۰۲۸ | ۰.۰۱۲ |
| نگرش‌های متعصبانه و نارضایتی همسران از اجرای امور داوطلبانه و بشردوستانه زنان | ۰.۶۷۵ | ۰.۱۷۶ | ۰.۱۴۹ | ۰.۳۲۸ | ۰.۰۰۱ |
| ضعیف‌انگاری و ناکارآمد دانستن زنان در قیاس با مردان به هنگام ارائه‌ی خدمات داوطلبانه | ۰.۷۳۰ | ۰.۴۵۱ | ۰.۱۰۷ | ۰.۲۶۹ | -۰.۱۱۱ |
| تأثیر اشتغال زنان در خارج از منزل در ارائه‌ی خدمات داوطلبانه و بشردوستانه | ۰.۱۷۹ | ۰.۲۲۲ | ۰.۲۷۲ | ۰.۶۴۸ | -۰.۴۷۴ |
| نیازهای خاص زنان ازجمله بهداشت زنان | ۰.۱۲۵ | ۰.۰۵۶ | ۰.۱۸۱ | ۰.۶۷۳ | ۰.۱۰۷ |
| حاملگی و شیردهی | ۰.۰۰۹ | -۰.۰۰۸ | ۰.۱۹۱ | ۰.۲۰۳ | ۰.۸۵۲ |
| جبر فرهنگی فرودستی زنان از مردها | ۰.۸۶۱ | ۰.۳۲۲ | ۰.۱۸۶ | ۰.۱۲۴ | ۰.۰۷۴ |

با در نظر گرفتن هدف تحقیق، متغیرهای استخراج شده‌ی تحلیل عاملی در چهار عنوان شامل دانش مدیریت بحران، عوامل فرهنگی و جنستی، تقدیرگرایی، احساس قدرت و اعتماد به نفس دسته‌بندی شدند (جدول ۱۹). البته، گفتنی است که در بین این عوامل دانش مدیریت بحران، تقدیرگرایی و احساس قدرت و اعتماد به نفس عواملی مشترک برای مشارکت بین گروه‌های گوناگون



[ Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28 ]

بوده است، اما عوامل فرهنگی و جنسیتی بر عواملی تمرکز دارد که گروه ویژه‌ی تحقیق، یعنی زنان، را شامل می‌گردد. نگاهی بر عوامل جای گرفته در این گروه حاکی از آن است که با توجه به ساختار قدرت و هنجارهای اجتماع، این عوامل غالباً ماهیت منفی دارد و به نوعی همانند قطب منفی مشارکت زنان است.

**جدول ۱۹. دسته‌بندی عوامل مؤثر در مشارکت زنان در مدیریت بحران**

| | | |
|---|---|---|
| دانش مدیریت بحران | آشنایی با سوانح | احساس قدرت و اعتماد به نفس: اجرای اقدامات پیشگیرانه در مقابل سوانح |
| | نقش گروه‌های اجتماعی دوام | آمادگی |
| | کیفیت نجات و چگونگی آماده‌سازی | آموزش کودکان و بزرگ‌سالان |
| | راه‌های تثبیت اجزای غیر سازه‌ای و اجرای آن‌ها در منزل و محل کار | فعالیت در اورژانس و گروه‌های امدادی |
| | تشخیص نقاط امن و ناامن در ساختمان | خود امدادی و دگر امدادی (انتقال آموخته‌ها و تجارب) |
| | کمک‌های اولیه | رهبری یا عضویت فعال در انجمن‌های مردمی |
| | اطفای حریق | سیاست‌گذاری و اجرای برنامه‌ها |
| | امداد و نجات | کاهش خطرات ناشی از سوانح |
| | روان‌شناسی بحران بعد از سوانح | فایده‌مند/اثربخش |
| | اسکان اضطراری بعد از سوانح | تقدیرگرایی: مجازات الهی |
| | نقش حکومت در مدیریت بحران | تقدیر و برای مقابله با آن کاری نمی‌توان کرد |
| | نقش گروه‌های اجتماعی غیر دوام | از طریق توبه می‌توان از وقوع سوانح جلوگیری کرد |
| | مقاوم‌سازی ساختمان‌ها و بناها | برای جلوگیری از خسارات و آسیب‌های ناشی از زلزله در شهری مانند تهران کار نمی‌توان کرد |
| هنجارهای فرهنگی و جنسیتی | هنجارهای فرهنگی مانند اجازه شوهر برای خروج از خانه | بی‌اثر بودن تکنولوژی |
| | محدودیت‌های ناشی از مسئولیت کودکان و مادر بودن | |
| | محدودیت‌های ناشی از مسئولیت همسری در خانواده | |
| | نبود تسهیلات خاص و مورد نیاز زنان | |
| | محدودیت‌های ناشی از اعتقادات مذهبی در باب روابط زنان و مردان | |
| | حمایت نکردن اعضای خانواده در زمینه‌ی مشارکت و انجام خدمات زنان | |
| | مؤثر ندانستن کمک‌های بشردوستانه و امدادی زنان در زمان حادثه و پس از آن | |
| | مهم ندانستن حضور زنان در ارائه‌ی خدمات بشردوستانه و امور امدادی در جامعه | |
| | رواج تفکر مردمحوری در جامعه | |
| | نگرش‌های متعصبانه و کارشکنی و نارضایتی همسران از اجرای امور داوطلبانه و خدمات بشردوستانه زنان | |
| | ضعیف‌انگاری و ناکارآمد دانستن زنان در قیاس با مردان به هنگام ارائه‌ی خدمات بشردوستانه و داوطلبانه | |
| | تأثیر اشتغال زنان در خارج از منزل در ارائه‌ی خدمات داوطلبانه و بشردوستانه | |
| | نیازهای خاص زنان ازجمله بهداشت زنان | |
| | حاملگی و شیردهی | |
| | جبر فرهنگی فرودستی زنان نسبت به مردها | |



[ Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28 ]

## نتیجه‌گیری

گروه‌های گوناگون جامعه می‌توانند نقش بسیار مهمی در مدیریت سوانح ایفا کنند. در نتیجه، کشورهایی آسیب‌پذیریِ کمتری خواهند داشت که قشرهای مختلف مردم به صورت مستقیم در فعالیت‌های کاهش خطر شرکت کنند. در این زمینه، همکاری زنان در کنار مردان می‌تواند در به‌کارگیری و اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های مرتبط با سوانح نقش مهمی ایفا کند. از این‌رو، مشارکت به منزله‌ی یکی از مباحث مطرح در مدیریت بحران نیازمند سهیم شدن مردم در تمامی فرایندهای مربوط به چرخه‌ی مدیریت بحران است. از آنجا که فرصت‌ها و زمینه‌های مشارکت مردم از جامعه‌ای به جامعه دیگر و حتی از گروهی به گروه دیگر متفاوت است، از این‌رو، برای جلب مشارکت هر گروه شناسایی مؤلفه‌های مؤثر ضروری است. بنابراین، هدف این تحقیق شناسایی مؤلفه‌ها و متغیرهای منفی و مثبت مؤثر در مشارکت این گروه است. پس از مطالعه مبانی نظری مرتبط، عواملی در این زمینه استخراج شد و پاسخگویان سؤالات پرسشنامه را تکمیل کردند. سرانجام، با استفاده از تحلیل عاملی متغیرهای مؤثر استخراج و در چهار عنوان شامل دانش مدیریت بحران، عوامل فرهنگی و جنستی، تقدیرگرایی، احساس قدرت و اعتماد به نفس دسته‌بندی شدند (شکل ۲).

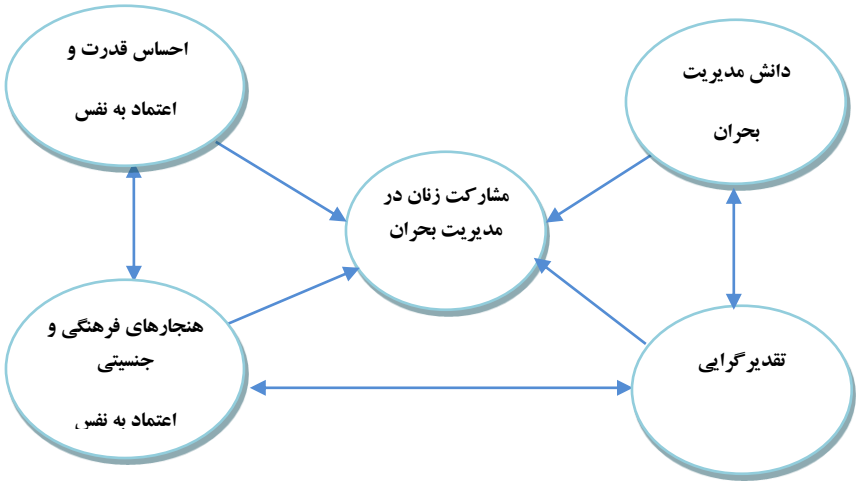


**شکل ۲. دسته‌بندی عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در چرخه‌ی مدیریت بحران**

این مقاله برگرفته از نتایج طرح پژوهشی است که با همین عنوان برای مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران (وابسته به شهرداری تهران) و با حمایت و پشتیبانی مادی این مرکز صورت گرفته است.

## منابع

استوار ایزدخواه، یاسمین.۱۳۸۹. زنان و بلایای طبیعی: آسیب‌پذیر در سوانح یا توانمند در مدیریت بحران. *فصلنامه علمی امداد و نجات*،**۲**: ۱۲- ۱.

اینگلهارت، رونالد. ۱۳۷۳. *تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی*، ترجمه مریم وتر، تهران، نشر کویر.



[ Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28 ]

بگ‌رضایی، پرویز. ۱۳۸۷. بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر مشارکت سیاسی زنان شهرستان ایلام. *فرهنگ ایلام*، **۲۱- ۲۰**: ۷۲- ۵۴.

جهانگیری، کتایون؛ یاسمین استوار ایزدخواه؛ سید علی آذین و فرزانه جاروندی. ۱۳۸۹. بررسی میزان مشارکت مردم در مقابله با بلایای طبیعی در استان خوزستان: دیدگاه‌های مسئولین. *فصلنامه علمی امداد و نجات*، **۴**: ۲۰- ۱۱.

عنبری، موسی. ۱۳۸۲. بررسی زمینه‌ها و راهکارهای جلب مشارکت مردمی در امداد حوادث غیرمترقبه، *موسسه آموزش عالی علمی کاربردی هلال‌احمر*.

قنبری، یوسف، احمد حجازیان؛ رحیمه انصاری و فاطمه کیانی. ۱۳۹۱. شناسایی عوامل و موانع مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های کشاورزی (مطالعه موردی: شهرستان فریدون‌شهر). مجله *پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی*، **۲**: ۸۷- ۷۲.

مک‌فرسون، کرافوردبرو. ۱۳۷۶. *زندگی و زمانه دموکراسی لیبرال*، ترجمه مسعود پدرام، تهران، نشر نی.

موسایی، میثم و بهزاد رضوی الهاشم.۱۳۹۰. بررسی (SWOT) مشارکت شهروندان در امور شهری. فصلنامه *رفاه اجتماعی*، **۴۱**: ۱۵۲- ۱۲۴.

Anderson, Mary B. and Peter J. Woodrow .۱۹۸۹. rising from Ashes: Development Strategies in Times of Disasters; West view Press; UNESCO; Paris; pp.۳۳۸.

Carballo, M., Heal, B., and Horbaty G. ۲۰۰۶. Impact of the tsunami on psychosocial health and wellbeing. *International Review of Psychiatry*, **۱۸ (۳),** ۲۱۷-۲۲۳.

Carballo, M., Hernandez, M., Schneider, K., & Welle, E. ۲۰۰۵. Impact of tsunami on reproductive health. *Journal of The Royal Society of Medicine*, **۹۸**, ۴۰۰-۴۰۳.

Childs, M. ۲۰۰۶. Not through women's eyes: photo-essays and the construction of a gendered tsunami disaster. *Disaster Prevention and Management*, **۱۵ (۱)**: ۲۰۲-۲۱۲.

Choo, P. S. ۲۰۰۵. Women in the December ۲۰۰۶ tsunami: how have they coped; how can we help. NAGA, Worldfish Center Newsletter, **۲۸ (۱ & ۲):** ۱۳-۱۶.

Enarson, E. ۲۰۰۸. Gender mainstreaming in emergency management: Opportunity for building community resilience in Canada. Retrieved from http://www.gdnonline.org/resources/Enarson_GenderMainstreamingCanada.pdf

Fisher, S. ۲۰۰۵. Gender based violence in Sri Lanka in the aftermath of the ۲۰۰۴ tsunami crisis. The national organizations and international NGOs in prevention and response to gender based violence, Leeds.

Fletcher, L. E., Stover, E., & H.M. Weinstein, (Eds.). ۲۰۰۵. After the Tsunami. Human Rights of Vulnerable Populations., CA: East-West Centre, University of California: Berkeley.

Galambos, C. ۲۰۰۵. Natural disasters: health and mental health consideration. *Health and Social Work*, **۳۰(۲**: ۸۳–۶.

Global Action on Aging. ۲۰۰۴. as tsunami recedes, women's risks appear. Retrieved from www.globalaging.org/elderrights/world/۲۰۰۴/tsunami.htm



[ Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28 ]

Hyndmann, J. ۲۰۰۸. Feminist, conflict and disaster in post-tsunami Sri Lanka. *Gender Technology and Development,* **۱۲ (۱):** ۱۰۱-۱۲۱.

Ikeda, K. ۲۰۰۷. How women's concerns are shaped in participatory planning: a case study of community based disaster management in Bangladesh. Retrieved from http://homepage۲.nifty.com/devgen/siryou/contents/ikeda_paper_e.doc.

Lalasz, R. ۲۰۰۵.. "The Indian Ocean tsunami: special challenges for women survivors", Population Reference Bureau, Retrieved from www.prb.org.

Latha, M. K. ۲۰۰۷. Role of women in disaster preparedness. AuthorsDen. Retrieved from http://www.authorsden.com/visit/viewArticle.asp?id=۲۸۰۷۷

MacDonald, R. ۲۰۰۵. How women were affected by the tsunami: a perspective from Oxfam. *Plos Medicine,* **۲(۶):** ۴۷۴-۴۷۵.

Pikul, C. ۲۰۰۵. As tsunami recedes, women's risks appear. Global Action on Aging (January) Retrieved from :http://www.globalaging.org/elderrights/world/۲۰۰۴/tsunami.htm (November ۲۰۰۸).

Pittaway, E., Bartolomei, L., & Rees, S. ۲۰۰۵. Gendered dimensions of the ۲۰۰۴ tsunami and a potential social work response in post-disaster situations. International Social Work, **۵۰ (۳):** ۳۰۷-۳۱۹.

Tanesia, A. ۲۰۰۷. Women, community radio, post-disaster recovery process. Women In Action, **۲**: ۶۸-۷۶.

Yonder, A., Akcar, S., & Gopalan, P. ۲۰۰۵. Women's participation in disaster relief and recovery. SEEDS pamphlet series, ۲۲. Retrieved from http://www.popcouncil.org/pdfs/seeds/Seeds۲۲.pdf



[ Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28 ]